



## **Capabilities of Pahlavi Language for Coining Scientific Terms, Based on *Shikand Gūmānīk Vijār***

**\*Fereshteh Atash-Barg**

**\*\*M. Rahimi Imen**

### **Abstract:**

With the arrival of Islam in Iran, Arabic became the official, as well as scientific and literary language of the west Asia, and it was only in the fourth century AH that writing in Persian became widespread in Iran. At that time, however, Arabic loanwords composed a large number of scientific and technical terms, and it was thought other languages, including Persian, were incapable of expressing scientific concepts. Extensive borrowing from Arabic and inattention to word-formation processes of Persian, which was a legacy of the Pahlavi language, caused the language to lose many of its capabilities, such as simple verbs, prefixes, and suffixes. But study on *Shikand Gūmānīk Vijār* shows that the Pahlavi language, relying on its own capabilities, was able to express many complex scientific concepts, which were later replaced by Arabic loanwords. In this polemical work, the author, using the capabilities of word formation of the Pahlavi language, has denoted many scientific concepts without using loanwords, a capability that Persian also enjoyed it at the first centuries AH.

**Keywords:** Scientific Terms, Persian, Pahlavi, Pazand, *Shikand Gūmānīk Vijār*

## توانمندی زبان پهلوی در ساخت اصطلاحات علمی، بر اساس متن *شِکند گمانیک* و زار

\*فرشته آتش برگ

\*\*منظر رحیمی ایمن

### چکیده:

با ورود اسلام به ایران زبان عربی به زبان رسمی، و نیز علمی و ادبی غرب آسیا تبدیل شد و تنها در سده چهارم هجری بود که فارسی نویسی در ایران رواج گسترده ای یافت. در آن زمان نیز وام واژه های عربی بخش بزرگی از اصطلاحات علمی و فنی را تشکیل می دادند، و این تصور به وجود آمد که دیگر زبان ها، از جمله فارسی، ناتوان از بیان مفاهیم علمی هستند، زیرا وام گیری گسترده از زبان عربی و عدم استفاده از امکانات واژه سازی در زبان فارسی، که میراثی از زبان پهلوی بود، سبب شده بود این زبان بسیاری از قابلیت های واژه سازی خود، مانند افعال ساده، پیشوندها و پسوندهایش را از دست بدهد. اما بررسی کتاب *شِکند گمانیک* و زار نشان می دهد که زبان پهلوی با تکیه بر توان خود قادر به بیان بسیاری از مفاهیم پیچیده علمی بوده است که بعدها واژه های عربی جایگزین آنها شده بودند. در این اثر کلامی نویسنده با بهره گیری از قابلیت های واژه سازی زبان پهلوی بسیاری از مفاهیم علمی را بدون استفاده از وام واژه ها بیان کرده است، قابلیتی که فارسی نیز در سده های آغازین اسلامی از آن برخوردار بود.

**کلید واژه ها:** اصطلاحات علمی، فارسی، پهلوی، پازند، *شِکند گمانیک* و زار

---

\*دانشجوی دوره دکتری فرهنگ و زبان های باستانی ایران، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد تهران .

pazand2000@gmail.com

\*\*استاد گروه فرهنگ و زبان های باستانی ایران، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد تهران

**مقدمه:**

پس از ظهور اسلام، زبان عربی که زبان دین بود، با پشتوانه گنجینه غنی واژگانی خود به سرعت در سراسر خاور میانه رواج یافت و در بسیاری از سرزمین های این منطقه زبان های بومی را کنار زد، و در برخی کشورها همانند ایران، گرچه زبان بومی مردم باقی ماند، اما عربی به زبان علم تبدیل شد، و از همین رو، تاثیر گذاری این زبان در طولانی مدت چنان شدید گردید که حتی زمانی که مردم ایران پس از تقریباً سه سده، نگارش به زبان مادری خویش را آغاز کردند، برای بیان مفاهیم علمی و فنی تا اندازه بسیاری از وام واژه های عربی استفاده می کردند. این روند سرانجام چنان گسترش یافت که سبب شد این تصور پدید آید که فارسی به کل ناتوان از بیان مفاهیم علمی و فنی است، تا جایی که دانشمند پرآوازه ای مانند ابوریحان در اینباره چنین می گوید: «... اگر مرا به عربی هجا گویند دوست تر دارم تا به فارسی مدح کنند. راستی سخن من بر کسی پدیدار می شود که در ترجمه فارسی یک کتاب علمی نیک بنگرد؛ وی خواهد دید که چگونه رونق آن دانش از میان رفته، روحش بیفسرده، و چهره اش سیاه گشته است و دیگر نمی توان از آن بهره گرفت. سبب آن است که این زبان تنها شایسته روایت های خسروانی و داستان های شبانه است...» (آذرنوش 1377: 196). البته گرچه برخی دانشمندان، از جمله خود ابوریحان، و نیز ابوعلی سینا کوشیدند تا آثاری را با استفاده از اصطلاحات زبان فارسی بنویسند،<sup>1</sup> اما به دلایلی، از جمله غیر فعال شدن امکانات واژه سازی فارسی و به ویژه فراموش شدن بسیاری از مصدرهای ساده آن، به توفیق چندانی دست نیافتند، و سرانجام همگی دانشمندان برای بیان مفاهیم علمی به استفاده از وام واژه های عربی روی آوردند، ضمن اینکه بسیاری از ایشان آثار خود را همچنان به زبان عربی می نوشتند.

البته در این میان دلایل دیگری نیز دخیل بودند، از جمله اینکه برخی متاثر از تعصبات دینی خود با بسیاری از مظاهر تمدن ایرانی، از جمله زبان فارسی به ستیزه برخاستند، ضمن اینکه صرف عربی دانی نشانه فضل و کمال بود و در گذشته اگر کسی بر این زبان تسلط نداشت، دانش وی نادیده انگاشته می شد. عوامل فوق سبب کم انگاری زبان فارسی شد، تا جایی که بسیاری از امکانات اساسی واژه سازی در زبان فارسی، مانند مصدرها، و نیز واژه های پایه فراموش شدند و وام واژه های عربی جایگزین آنها شدند، و در این میان چیزی بر فنا رفت که سبب رونق هر زبانی، از جمله فارسی، است، یعنی حضور زبان در عرصه های علمی و نیز زندگی روزمره، و به تبع آن، ساخت واژه های نو و پویایی امکانات واژه سازی آن. برای نمونه، در زبان فارسی، همانند بسیاری از زبان های دیگر دنیا، افعال ساده از عوامل اصلی واژه سازی به شمار می روند، اما در سه بررسی جداگانه که سه دانشجوی زبانشناسی دانشگاه تهران انجام دادند، معلوم

1- بیرونی در *التفهیم*، و ابن سینا در *دانشنامه علایی* واژه های فارسی بسیاری را برای ادای مفاهیم علمی به کار برده اند که برخی از پیش رایج بوده و برخی هم برساخته خود این دو دانشمند بوده اند.

گردید که در فارسی روزمره مردم تنها 115 مصدر ساده به کار می رود (باطنی 1368: 68)، حال آنکه در فرهنگ *مشتقات مصادر فارسی*، نوشته کامیاب خلیلی، قریب 1800 مصدر ساده دیده می شود که درصد بسیار کمی از آنها در فارسی کنونی به کار می روند. حتی در بسیاری از گویش های فارسی مصدرهای ساده به مراتب بیش از فارسی معیار است.

اما آیا زبان فارسی از همان آغاز برای بیان مفاهیم پیچیده علمی و فنی زبانی کم توان بوده است؟ نبود آثار عالمانه به این زبان، یعنی آثاری که نه تنها به زبان فارسی باشند، بلکه اصطلاحات و واژه های علمی آنها نیز به فارسی باشد، چنین تصویری را برای بسیاری ایجاد کرده، و تنها در همین سده اخیر بوده است که این باورهای دیرپا به تدریج رنگ باخته اند و سایه روشنی از حقیقت آشکار شده است. یکی از آثاری که در آن می توان این توانمندی را به خوبی دید، *کتاب شکند گمانیک وزار*، یا *گزارش گمان شکن* است که اثری است به زبان پهلوی که بعدها آن را با الفبای اوستایی آوانویسی کرده بوده اند. اما پیش از ادامه این بحث، بهتر است که این اثر به کوتاهی معرفی گردد.

### *شکند گمانیک وزار:*

یکی از مهمترین نوشته های پازند، کتاب *شکند گمانیک وزار*، نوشته مردان فرخ پسر اورمزد است. این کتاب، اثری فلسفی- کلامی است که نویسنده آن را برای رفع شبهه نوآموزان نوشته است. مردان فرخ از آثار دانشمندان روزگار خود، از جمله آذرباد یاوندان، و روشن پسر آذرفرنبغ فرخزادان و به ویژه *دینکرد* استفاده زیادی کرده است، تا جایی که فصل 239 (الف) کتاب سوم *دینکرد* عینا فصل نهم *شکند گمانیک وزار* است (تفضلی 1383: 161). چرتی<sup>1</sup> با استناد به اینکه نویسنده از *دینکرد* آذرباد فرخزادان یاد می کند، اما از *دینکرد* آذرباد امیدان چیزی نمی گوید، زمان وی را نیمه دوم سده نهم میلادی، یا سده سوم هجری مشخص می کند (چرتی 2014: *ایرانیکا*). متن پهلوی این اثر از میان رفته است و امروزه تنها متن پازند و سانسکریت آن وجود دارد. پنج فصل نخست آن را بعدها از روی متن پازند به پهلوی برگردانده اند (تفضلی 1383: 162).

این کتاب دارای شانزده فصل است که فصل پایانی آن کامل نیست، و فصل نخست آن هم که در حکم مقدمه است، با توصیف آفرینش مینو و گیتی توسط اورمزد آغاز می شود، اما فصل 2 تا 10 درباره اصول عقاید دین زردشتی است. ضمن این فصول به مسائلی پرداخته می شود که لازمه آنها استفاده از زبانی فنی و پر اصطلاح است، از جمله اینکه چرا اهریمن به روشنایی آسیب رساند، حال آنکه گوهری جدای از آن دارد؟ و یا پرسشی بسیار کهن در اینباره که چرا اورمزد، این قادر مطلق، مانع تباه کاری و بدخواهی اهریمن نمی شود؟ نویسنده ضمن پاسخ گویی به این پرسش ها از مفاهیمی مانند جوهر و عرض می گوید و اینکه تغییر جوهر بر خلاف عرض ناممکن است. فصل پنجم کتاب رد منکران خداست و فصل ششم نیز ردیه ای درباره عقاید دهری ها

1- Carlo Cereti

است. فصل هفتم به اثبات ثنویت اختصاص دارد و فصل هشتم در اثبات وجود اهریمن است. دو فصل دیگر کتاب، یعنی 9 و 10 درباره ثنویت هستند، و شش فصل پایانی کتاب محتوایی جدلی دارند و در رد اسلام، یهودیت، مسیحیت و مانویت هستند.

برخی از این مطالب در دیگر آثار زردشتی نیز آمده است، اما در بیشتر آنها بدون دلیل آوری به کتاب مقدس اوستا استناد شده است، اما در *شیکند گمانیک وزار* برای اثبات عقاید زردشتی و رد ادیان دیگر از سلاح استدلال منطقی استفاده شده و کمتر به اسطوره و افسانه و اوستا استناد شده است (تفضلی، 1383: 163).  
 ناگفته پیداست که در اثر یاد شده مفاهیم علمی بسیاری استفاده شده است که در فارسی هم روزگار با آن، یعنی سده سوم هجری، نهم میلادی، تقریباً منحصر از واژه های عربی برای بیان آنها استفاده می شده است. جدای از محتوای این اثر، گنجینه واژگانی به کار رفته در آن، و شیوه نویسنده برای بیان مفاهیم پیچیده علمی گویای قابلیت هایی است که زبان پهلوی، حتی در سده سوم هجری نیز از آن برخوردار بوده است، یعنی زمانی که دیگر زبان رسمی نبوده و قدرت حاکم را پشتیبان خود نداشته است. آنچه به این دستاورد اهمیت ویژه ای می دهد، این است که نویسنده اثر با بهره گیری از میراث غنی دبیران پهلوی نویسنده، و رویکردی بومی گرا، تنها از اندوخته واژگانی زبان خود استفاده کرده است، و به ندرت در این اثر وام واژه ای دیده می شود، و ادامه این نوشته بررسی این دستاورد و نکات ظریف آن است.

#### پیشینه تحقیق:

درباره متون پازند تا کنون کارهای تحقیقی چندانی انجام نشده است، به ویژه که متن پهلوی بیشتر این آثار، یا دست کم مهمترین آنها نیز در دسترس است. همین امر درباره *شکند گمانیک وزار* نیز صدق می کند، گرچه متن پهلوی آن بر جای نمانده است. معدود کارهای انجام شده درباره این اثر مهم به شرح زیر است:  
 نریوسنگ، از دانشمندان پارسی هند، *شیکند گمانیک وزار* را به سنسکریت ترجمه، و متن پهلوی آن را هم به علت پیچیدگی و ابهاماتی که در خط پهلوی وجود داشت، به الفبای اوستایی بازنویسی کرد. ادوارد وست<sup>1</sup> دو نسخه قدیمی خطی از همین متن پازند با ترجمه سنسکریت، را اساس کار خود قرار داد و در سال 1885 میلادی برای نخستین بار آن را به انگلیسی ترجمه کرد. همو در سال 1887 متن پازند و ترجمه سنسکریت را با تصحیح و فرهنگ واژگان، با همکاری هوشنگ جاماسپجی آسانا<sup>2</sup> در بمبئی منتشر کرد. متن اصلی پهلوی این کتاب در دست نیست ولی چندین نسخه پر غلط از آن وجود دارد و وست نتیجه می گیرد که همه از روی متن پازند نوشته شده اند. در میان ایرانیان، نخستین بار صادق هدایت این اثر را ترجمه و در سال 1322 منتشر

1- Edward West

2- Hushang Jamaspji-Asana

کرد. دومناش<sup>1</sup> متن پازند را آوانویسی، و به فرانسوی ترجمه، و با شرح و توضیح و واژه نامه در سال 1945 میلادی در سوئیس منتشر کرد. پروین شکبیا نیز در سال 2001 ترجمه آزادی از این اثر را منتشر کرد. انریکو رافائل<sup>2</sup> (2009) قسمت هایی از این اثر را که درباره ستاره شناسی است، در قالب مقاله ای به انگلیسی ترجمه کرده است. ساموئل فرانک تروپ<sup>3</sup> (2012) انتقادهای زردشتیان از پیود در کتاب *شکندگمانیک* و زار را موضوع رساله دکتری خود قرار داد و ضمن آن بخش هایی از این اثر را آوانویسی کرد. این رساله ظاهراً هنوز منتشر نشده است. کارلو چرتی در مقاله ای در *دانشنامه ایرانیکا* (2014) این کتاب را به طور مشروح معرفی کرده است، و آن نوشته را می توان کامل ترین مقاله در معرفی این اثر دانست. ویرایش و آوانویسی پهلوی این کتاب بار دیگر توسط رهام اشه<sup>4</sup> انجام شد که به همراه برگردان انگلیسی آن در سال 2015 چاپ شده است. همچنین احمد تفضلی در کتاب *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام* (1383)، صص 64-161، این کتاب را مختصر و مفید معرفی کرده است.

در آثار یاد شده *شکندگمانیک* و زار تنها از نظر محتوایی بررسی شده است، و گنجینه واژگانی و ساخت واژه آن، که پرداختن به مسائل مهم کلامی و جدلی بدون بهره گیری از وام واژه ها را ممکن می ساخته است، به هیچ روی بررسی نشده است. این کم کاری نه تنها درباره این اثر، بلکه کل زبان پهلوی وجود دارد. تنها اثری که در آن واژه گزینی در زبان پهلوی بررسی شده، مقاله ای است به قلم حسن رضایی باغ ببیدی، که در آن به برخی واژه های علمی این اثر اشاره شده است.

#### هدف تحقیق:

هدف این تحقیق، نشان دادن واژه های علمی در *شکندگمانیک* و زار، و کسب شناختی از توان علمی زبان پهلوی است، و اینکه نویسندگان پهلوی نویس در استفاده از امکانات واژه سازی زبان پهلوی برای بیان مفاهیم علمی تا چه اندازه موفق بوده اند. به همین منظور، در این مقاله کتاب *شکندگمانیک* و زار، از نظر قابلیت های واژگانی آن بررسی می شود. در اینجا "قابلیت" برای اشاره به این موارد به کار می رود: واژه های پهلوی برای بیان مفاهیم علمی که بعدها وام واژه های عربی جایگزین آنها شدند. واژه های بیانگر مفاهیم عام که قابلیت کاربرد گسترده ای در نوشته های علمی را داشتند. امکانات واژه سازی پهلوی، که شامل وندافزایی و ترکیب می شود.

---

1- Pierre Jean de Menasce

2- Enrico Raffaely

3- Samuel Frank Thrope

4- Raaham Asha

### ساخت واژه پهلوی:

پیش از ادامه این جستار لازم است تا زبان پهلوی به کوتاهی معرفی گردد. پهلوی جزو زبان های ایرانی میانه، شاخه جنوب غربی است که دنباله فارسی باستان است، زبانی که خود با واسطه ایرانی باستان و نیز هند و ایرانی باستان، به هند و اروپایی آغازین می رسیده است. در پهلوی، همانند دیگر زبان های هند و اروپایی، واژه سازی با افزودن پیشوند و پسوند به پاره های کلامی انجام می شود (اشنقاق)، ضمن اینکه واژه های مشتق یا جامد نیز با هم ترکیب می شوند و واژه های جدیدی ساخته می شود (ترکیب). در این زبان، افعال ساده از عناصر مهم واژه سازی هستند، چون پیشوندها، و به ویژه بسیاری از پسوندها، از جمله پسوندهای سازنده اسم مصدر، اسم عامل، صفت مفعولی و ...، منحصر با بن های ماضی و مضارع افعال ساده ترکیب می شوند. به عبارت دیگر، فراوانی افعال ساده، و نیز زبایی دستگاه فعل ساز این زبان، عامل زبایی و پویایی بسیاری از پیشوندها و پسوندها، و منبعی برای ساخت واژه های مرکب است.

### واژه های علمی که وام واژه ها جای آنها را گرفتند:

چنانکه گفته شد، وام گیری فارسی از عربی در برخی سده ها چنان گسترش یافت که نه تنها برای مفاهیم علمی، که حتی به جای پدر، مادر، خواهر و برادر نیز از وام واژه های عربی آنها استفاده می شد. آغاز این روند همانا استفاده از وام واژه ها برای بیان مفاهیم علمی بود، در حالی که بسیاری از این مفاهیم، معادل های مناسب پهلوی داشتند که می شد در فارسی نیز آنها را به کار برد. در زیر فهرست کوتاهی از واژه های علمی و فراموش شده این متن، و وام واژه هایی که در فارسی جانشین آنها شده اند ارائه می شود<sup>1</sup>:

| پازند                | پهلوی                | معنی و معادل امروزی | ارجاع در متن |
|----------------------|----------------------|---------------------|--------------|
| <i>vahān</i>         | <i>wahān</i>         | دلیل-علت-سبب        | 2:4          |
| <i>gowhar</i>        | <i>gōhr</i>          | جوهر-ذات            | 2:5          |
| <i>gəhān i kōdak</i> | <i>gēhān ī kōdak</i> | عالم صغیر           | 16:24        |

1- هنگام بازنویسی *شکندگمانیگ* وزار با الفبای اوستایی به دلایلی، از جمله بدخوانی نسخه برداران و نا آشنایی آنها با زبان پهلوی و نیز اثر گذاری گویش مادری ایشان در ایران تلفظ و املاي واژه ها به دلایلی، دچار تغییراتی شد، و از همین رو در این مقاله برای بسیاری از واژه ها اصل پهلوی آنها نیز آورده می شود.

|        |                           |                         |                                 |
|--------|---------------------------|-------------------------|---------------------------------|
| 16:24  | عالم کبیر                 | <i>gēhān ī wuzurg</i>   | <i>gəhān i guzorg</i>           |
| 3:13   | اراده                     | <i>kām</i>              | <i>kām</i>                      |
| 3:20   | عَرَض                     | <i>jadišn</i>           | <i>gadašn</i>                   |
| 3:33   | طبیعت یافتن، شکل<br>گرفتن | <i>čihrēnīdan</i>       | <i>čiharanīdan</i>              |
| 9:14   | عنصر                      | <i>rastag</i>           | <i>rastag</i>                   |
| 16:4   | علت العلل-بنیاد نخستین    | <i>buništ</i>           | <i>bunīiaštaa</i>               |
| 16:8   | مادی                      | <i>tanīgard(īg)</i>     | <i>tanikardī</i>                |
| 6:24   | نامحدود                   | <i>akanārag</i>         | <i>akanāra</i>                  |
| 1:31   | نوع                       | <i>sardag</i>           | <i>sarda</i>                    |
| 9:42   | ساماندهی طبیعت            | <i>čih-wirāyišnīh</i>   | <i>cihar virāišni</i>           |
| 10:38  | متکلم، متخصص الهیات       | <i>kēšd-ār</i>          | <i>kəšdār</i>                   |
| 10:71  | بد دین، بدعت گذار         | <i>ahlomōγ</i>          | <i>ašmōg</i>                    |
| 7:13   | جبری                      | <i>abāyastag</i>        | <i>aβāiiastaa</i>               |
| 9:4    | تفسیر-شرح                 | <i>nigēz</i>            | <i>nigəž</i>                    |
| 11:33  | قائل به ثنویت             | <i>do buništ hangār</i> | <i>du bunīiaštaa<br/>hangār</i> |
| 15:108 | ثنویت                     | <i>dō buništ</i>        | <i>du bunīiaštaa</i>            |
| 16:56  | وحدت                      | <i>ēkīh</i>             | <i>aevakī</i>                   |
| 16:56  | دوگانگی                   | <i>dō-īh</i>            | <i>duī</i>                      |
| 8:78   | خلاء                      | <i>tuhīgīh</i>          | <i>θihī</i>                     |
| 14:52  | جسمانیت                   | <i>tanōmandīh</i>       | <i>tanīmandī</i>                |
| 1:11   | علم بی پایان              | <i>harwisp-āgāhīh</i>   | <i>haravisp-āgāhī</i>           |
| 9:20   | علت                       | <i>čim</i>              | <i>čim</i>                      |
| 5:47   | عناصر                     | <i>zahagān</i>          | <i>zahagān</i>                  |

واژه های بیاترگ مفاهیم عام با قابلیت کاربرد گسترده در نوشته های علمی:

بسیاری از واژه های دارای معانی ساده هم می توانند در مواردی برای بیان مفاهیم علمی به کار بروند، و از همین رو شاید ارائه توصیفی جامع و مانع از این گروه واژه ها ناممکن باشد، اما مصدرها، اسم مصدرها و اسم های عامل همگی در این گروه جای دارند. در این میان مصدرهای ساده، خواه لازم، متعدی یا مجهول اهمیت ویژه ای دارند چون نه تنها اسم مصدرها و اسم عامل ها از آنها ساخته می شوند، بلکه فراوانی آنها، که ناشی از زایایی دستگاه فعل ساز زبان است، در مرحله بعد سبب زایایی پیشوندها و پسوندها می شود. در ادامه فهرست کوتاهی از مصدرهای ساده و متروک این اثر، همراه با معادل<sup>1</sup> آنها در فارسی کنونی، که عمدتاً مصدرهای مرکب هستند، ارائه می شود:

مصدرهای ساده:

| ارجاع  | معادل و معنای فارسی | تلفظ پهلوی               | املای پازند                |
|--------|---------------------|--------------------------|----------------------------|
| 4:63   | نابود کردن          | <i>tabāhēnīdan</i>       | <i>taβāhinīdan</i>         |
| 5:49   | جزو اشراف در آوردن  | <i>wāspuragēnīdan</i>    | <i>vāspuhargā-in-īd-an</i> |
| 16:82  | متحد کردن           | <i>hamēnīdan</i>         | <i>ham-in-īd-an</i>        |
| 11:13  | متمایز کردن         | <i>judāgēnīdan</i>       | <i>judāinīdan</i>          |
| 11:102 | جایزه دادن          | <i>pādadahišnēnīdan</i>  | <i>pādadahišnīnīdan</i>    |
| 13:32  | اطلاع دادن          | <i>āgāhēnīdan</i>        | <i>āgāhinīdan</i>          |
| 11:248 | اخراج کردن          | <i>bērōnēnīdan</i>       | <i>bērūninīdan</i>         |
| 5:50   | نظم دادن            | <i>rāyēnīdan, rāyēn-</i> | <i>rāinīdan, rāi-</i>      |
| 6:26   | فکر کردن            | <i>mēnīdan, mēn-</i>     | <i>minīdan, min-</i>       |
| 7:3    | شکل دادن            | <i>čīhrēnīdan</i>        | <i>čīharanīdan</i>         |
| 8:73   | نابود کردن          | <i>abesēhēnīdan</i>      | <i>aβəfsūīdan</i>          |
| 9:28   | درک کردن            | <i>uzwārdan, uzwār-</i>  | <i>huzuuārdan</i>          |

<sup>1</sup> - از آنجا که آوردن همه معادل های این مصدرها ناممکن است، تنها یک معادل به صورت مصدر مرکب آورده می شود.

|        |                        |                            |                       |
|--------|------------------------|----------------------------|-----------------------|
| 11:281 | هدایت کردن،<br>فرستادن | <i>zāmēnīdan, zāmēn-</i>   | <i>jāminīdan</i>      |
| 14:3   | شرح دادن               | <i>nigēxtan, nigēz-</i>    | <i>nigež-</i>         |
| 14:6   | بلند شدن               | <i>āxīstan, āxēz-</i>      | <i>āxēž-</i>          |
| 9:45   | نافرمانی کردن          | <i>spōxtan, spōz-</i>      | <i>spuxtān, spōž-</i> |
| 4:88   | آمیخته شدن             | <i>gumēziḥastan</i>        | <i>gumēziḥastan</i>   |
| 14:40  | دردناک شدن             | <i>dardīḥastan</i>         | <i>dardiḥastan</i>    |
| 11:135 | به تملک در آمدن        | <i>xwēšīḥastan</i>         | <i>xāšīḥastan</i>     |
| 8:120  | مریض شدن               | <i>vīmārīḥastan</i>        | <i>vīmārīḥastan</i>   |
| 12:82  | به نظر رسیدن           | <i>sahīstan, sah-</i>      | <i>sīḥastan, sah-</i> |
| 16:67  | احاطه کردن             | <i>parwāstan, parwand-</i> | <i>farāβastan</i>     |
| 5:74   | ترتیب دادن             | <i>winārdan, winār-</i>    | <i>vinārastan</i>     |

## وند افزایشی:

در شِگند گمانیک وزار نویسنده به سادگی و به صورت قیاسی از تقریباً همه فعل‌ها مشتق‌های فراوانی ساخته است. در این میان ساخت اسم مصدر از بن مضارع، و اسم عامل از بن ماضی اهمیت بسیاری داشته‌اند، زیرا این دو گروه از مشتقات فعل جدای از اینکه به راحتی مفاهیم مهم علمی را بیان می‌کنند، می‌توانند ضمن ترکیب با دیگر واژه‌ها، معادل‌های دیگری را هم شکل دهند. اهمیت این دو، و به ویژه اسم مصدر در فارسی به اندازه‌ای است که اگر از فعل ساده‌ای اسم مصدر ساخته نشود، زنجیره مشتقات آن فعل ناقص تلقی می‌شود. برای نمونه، در فرهنگ بزرگ سخن حدود 30 واژه مرکب ساخته شده با اسم مصدر "دانش" فهرست شده است (انوری 1390: 92-2990). در ادامه، به منظور نشان دادن بخشی از کاربرد زبانی پسوندها، فهرستی از اسم‌های مصدرها (پایان یافته به *-ašn*) و اسم‌های عامل (پایان یافته به *-tār* یا *-dār*) در شِگند گمانیک وزار ارائه می‌شود که در فارسی معیار کاربردی ندارند:

| ارجاع در متن | معنا و معادل فارسی | تلفظ پهلوی                  | واژه مشتق<br>(اسم مصدر یا اسم عامل) |
|--------------|--------------------|-----------------------------|-------------------------------------|
| 16:5         | اختلاط             | <i>gōmēzišn</i>             | <i>gumēzašn</i>                     |
| 1:8          | حس بویایی          | <i>anbōyišn</i>             | <i>aṇbōišn</i>                      |
| 1:8          | حس چشایی           | <i>čaxšišn</i>              | <i>čaxšašn</i>                      |
| 1:8          | حس لامسه           | <i>permāsišn/ permāhišn</i> | <i>parmasašn</i>                    |

|       |                    |                       |                        |
|-------|--------------------|-----------------------|------------------------|
| 1:30  | آرایش، نظم         | <i>winārišn</i>       | <i>vinārašn</i>        |
| 1:35  | تدارک، ترکیب       | <i>pasāzišn</i>       | <i>pasāžašn</i>        |
| 15:1  | مجادله لفظی-مناظره | <i>pahikārišn</i>     | <i>patkārašn</i>       |
| 15:61 | برخاستن-قیام کردن  | <i>āxēzišn</i>        | <i>āxəžašn</i>         |
| 1:4   | صدمه-تعجیل         | <i>wizāyišn</i>       | <i>vazāišn</i>         |
| 1:10  | مدیر               | <i>rāyēnīdār</i>      | <i>rāinīdār</i>        |
| 1:31  | کوبنده-منفصل کننده | <i>škastār</i>        | <i>škastār</i>         |
| 15:25 | روزی دهنده-رزاق    | <i>parwardār</i>      | <i>farβardār</i>       |
| 4:73  | عاطل               | <i>akārēnīdār</i>     | <i>agārinīdār</i>      |
| 15:9  | خالق               | <i>āfrīdār</i>        | <i>āfrīdār</i>         |
| 4:74  | ضایع کننده         | <i>tabhēnīdār</i>     | <i>taβāhinīdār</i>     |
| 1:32  | مخرب               | <i>zadār</i>          | <i>zadār</i>           |
| 4:74  | فتنه انگیز-مخل     | <i>petyāragēnīdār</i> | <i>peatiyāriēnīdār</i> |
| 4:73  | محافظ-حامی         | <i>pādār</i>          | <i>pādār</i>           |

با دیگر پسوندهای پهلوی نیز، به همین ترتیب، واژه های علمی بسیاری ساخته شد که بعدها در زبان فارسی به جای آنها وام واژه های عربی رواج یافت:

*jamānmaṇd* "زمانمند"؛ *jāmaṇd* "جای‌مند"؛ *kardaa* "کرده، عمل"؛ *farāβastaa* "محصور"؛ *bōžā* "تاجی"؛ *hōšēnāg* "خشک کننده"؛ *kardār* "خالق"؛ *čiharī* "قهری"؛ *akanāraa* "نامحدود"؛ *garzīdār* "شاکتی"؛ *aβāīastī* "مطلوب"؛ *hambidī* "رقیب"؛ *farzānahihā* "حکیمانه"؛ *dīnihā* "از نظر مذهبی"؛ *aβaxšāišniḡar* "رحم دل"؛ *aβargar* "ناظر"؛ *buṇdaa* "کامل"؛ *gumāgarī* "شک داشتن"؛ *sūtmaṇdkārīh* "اثر مفید"؛ *bōstānβān* "باغبان"؛ *burzāβaṇd* "بلند، عالی"؛ *hāβaṇd* "شبییه"؛ *vaxšv(a)r* "پیامبر"؛ *āzv(a)r* "حریص"؛ *mādaβar* "اصلی، اساسی"؛ *durust-vat* "سر پزشک"؛ *daha-vat* "حاکم سرزمین"؛ *hamvār* "همواره".

در این اثر، همچنین در کنار پسوندها، از پیشوندها هم استفاده بسیاری شده است. پیشوندها می توانند از یک واژه پایه، واژه تازه ای با قابلیت وندپذیری را درست کنند، و بدین ترتیب، هر پیشوند شمار مشتقات بالقوه هر واژه را به گونه ای تصاعدی افزایش می دهد، که همین امر نشانگر اهمیت آنها در واژه سازی است. در ادامه فهرستی از واژه های ساخته شده با پیشوندها ارائه می شود:

*aβar āmadan* ”طلوع کردن، از راه رسیدن“؛ *aβar āstādan* ”اصرار کردن“؛ *aβāz ārāstan* ”دوباره نظم دادن“؛ *aβāz-dāštan* ”مانع شدن“؛ *an-āmurž* ”نا آموزیده“؛ *a-kanāraa* ”نا محدود“؛ *aβā-čim* ”بی دلیل، بی منطق“؛ *aβā-rāhinīdār* ”گمراه کننده“؛ *ham-gōhar* ”هم گوهر، هم سرشت“؛ *ham-sāzāi* ”هم رای“؛ *hū-dīn* ”نیک دین، بهدین“؛ *hū-čašmīhā* ”با حسن نیت“؛ *duš-dānā* ”دارای معلومات بد، جاهل“؛ *duš-pādišāh* ”حاکم ناصالح“؛ *duš-āgāh* ”نادان“؛ *frāz-rasīdan* ”وارد شدن“؛ *frāz-raβašnī* ”پیشرفت، تعالی“؛ *andar aβāyastan* ”لازم بودن، ضروری بودن“؛ *andarβāē* (پهلوی: *andarwāy*) ”جو“.

#### ساخت واژه های مرکب:

مردان فرخ در کنار استفاده از پسوندها و پیشوندهای پهلوی، از ترکیب سازی نیز بهره فراوانی می برد و بسیاری از مفاهیم مهم را با استفاده از واژه های مرکبی بیان می کند که یا خود آنها را ساخته بوده است، یا پیشاپیش در زبان پهلوی وجود داشته اند:

*nest yazat gōēān* ”منکران وجود خدا (نیست یزدان گویان)“؛ *faržanaqā kunišn* ”عمل حکیمانه“؛ *nē* ”ممکن الوجود“؛ *vīsp tvān* ”قادر مطلق“؛ *ačār dānašnī* ”دانش بدیهی“؛ *aṅgōšīdaa-dānašnī* ”دانش قیاسی“؛ *spurī mānāi* ”شباهت تام“؛ *čihar mālašnī* ”احساس طبیعی“؛ *ēwāz xwadāyī(h)* ”تک خدایی، توحید“؛ *sarān sar* ”سرور بزرگان“؛ *dīn dānāi* ”آگاهی از دین“؛ *aburd framānī* ”بزرگترین تبلیغ“؛ *abowandag xrad* ”خرد ناکامل“؛ *abundaa nīrōi* ”کم نیرویی، کم توانی“؛ *aniiōxš andarž* ”اندرز نشنوده، اندرز ناپذیر“؛ *xard guβāi* ”گواهی خرد“؛

در شِکِنْد گمانیک وزار نویسنده آگاهانه از ترکیب اضافی مقلوب و صفت و موصوف مقلوب هم استفاده بسیاری کرده است، زیرا بدین ترتیب عبارت ها تشخص واژگانی می یابند به واژه هایی تبدیل می شوند که خود وندپذیر یا ترکیب پذیر هستند:

*dādestān ī Ohrmazd* "قانون اورمزد، عدالت اورمزد"، اضافه مقلوب از *dādestān ī Ohrmazd*  
*yazd kāmag* "خواست خداوند" اضافه مقلوب از *yazd kāmag*  
*farmān ī aβāčim* "فرمان غیر معقولانه"، ترکیب وصفی مقلوب از *farmān ī aβāčim*  
*ānaspurī-kām* "مربوط به اراده ناقص"، ترکیب وصفی مقلوب از *ānaspurī-kām*  
*vīsp-tuuān dādār* "آفریدگار قادر مطلق" ترکیب وصفی مقلوب از *vīsp-tuuān dādār*  
**نتیجه گیری:**

شیکند گمانیک وزار اثری است که در آن نویسنده به مسائل مهم جدلی و کلامی، و نیز یزدان شناختی می پردازد، برای اثبات حقانیت دین زردشتی می کوشد، و ادیان دیگری را که در آن زمان، یعنی سده سوم هجری، رقیب دین زردشتی شده بودند، نقد و رد می کند، و در این میان، بر خلاف برخی از هم کیشان خود، کمتر به اسطوره و افسانه و اوستا استناد می کند و استدلال منطقی را دستمایه کار خویش قرار می دهد. نویسنده به همین منظور، با پایبندی به سنت ریشه دار دبیران پهلوی، تا جای ممکن از کاربرد واژه های بیگانه خودداری می کند، و دانسته و به عمد می کوشد که اثری کلامی و جدلی را تنها با استفاده از اندوخته واژگانی پهلوی بنگارد، و برای این کار از همه قابلیت های این زبان بهره می جوید و نهایت استفاده را از آنها می برد. نویسنده در زمانی که زبان پهلوی همه پشتوانه سیاسی و ملی اش را از دست داده بود، با رویکردی بومی گرا اثری را می نگارد که می توانست سرمشقی برای هم میهنان مسلمان وی باشد، اما در سده سوم هجری دیرزمانی بود که عربی با پشتوانه قدرت سیاسی و اهمیت مذهبی خود سیطره ای فراگیر یافته بود و نگارش آثار علمی به زبان یا با واژگانی جز عربی در اندیشه دانشمندان و بزرگان نمی گنجید. نویسنده به منظور نگارش این اثر از امکانات واژه سازی پهلوی، نظیر پیشوندها، پسوندها و نیز ترکیب سازی بیشترین استفاده را می کند و مفاهیم پیچیده جدلی و کلامی را بدون وام گیری و تنها با قابلیت های خود زبان پهلوی بیان می کند. نویسنده نه تنها با چیرگی تمام از واژه های کهن برای رساندن معانی نو استفاده می برد، بلکه خودش نیز واژه هایی را ابداع می کند و پیشوندها و پسوندهای پهلوی را با بسامد بسیار، و شاید هم قیاسی به کار می برد تا از عهده بیان مفاهیم علمی بر آید، و البته دستاوردی بسیار ارزنده را برای آیندگان بر جای می گذارد.

#### منابع:

- ##-آذر نوش، آذرتاش (1387)، *چالش میان فارسی و عربی*، تهران: نشر نی.  
 ##-انوری، حسن و دیگران (1390)، *فرهنگ بزرگ سخن*، چاپ هفتم، جلد 4، تهران: انتشارات سخن.  
 ##-باطنی، محمد رضا، «فارسی، زبانی عقیم؟» *آدینه*، شماره 33، صص 66-71.

##-تفضلی، احمد، 1383. *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. تهران.

##-رضایی باغ بیدی، حسن، «واژه‌گزینی در عصر ساسانی و تاثیر آن در فارسی دری» در مجموعه -

##مقالات نخستین هم‌اندیشی مسائل واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی، تهران، اسفند 1378، صص 521-537.

##-تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

##-فره‌وشی، بهرام، 1381، *فرهنگ زبان پهلوی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

##-Asha, Raham, 2015, *Šak ud Gumānīh Vizār, the Doubt Removing Book of Mardānfarrokh*. Paris: Ermān.

##-Cereti, Carlo G. "ŠKAND GUMĀNĪG WIZĀR," *Encyclopædia Iranica*, online edition, 2014, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/shkand-gumanig-wizar> (accessed on 08 Mars 2021).

##-de Menasce, Jean Pierre, 1945, *Škand Gumanīc Vičār, La Solution Decisive Doutes*, Fribourg en Suisse: Librairie de L'universite.

##-Hushang Dastur Jamaspji-Asana, 1887, *Shikand Gumanik Vijar, The Pazand-Sanskrit Text, together with a Fragment of Pahlavi*, Bombay.

##-MacKenzie, D. N., 1986, *A Concise Pahlavi Dictionary*, London: Oxford University Press.

##-Moein, Hamid, 2012, *On Pāzand: Philological Comparison with Pahlavi*, An Unpublished Thesis in the Department of the Special Individualized Program (Classics, Modern Languages and Linguistics), Montreal.

##-Raffaely, Enrico, 2017, "Astrology and Religion in the Zoroastrian Pahlavi Texts", *Journal Asiatique*, 305.2: 171-190, Paris.

##-Thrope, Samuel Frank, 2012, *Contradictions and Vile Utterances: The Zoroastrian Critique of Judaism in the Škand Gumānīg Wizār*. Berkeley (Unpublished Thesis).